



تکمله: بیع مسکرات جامد

تا کنون حکم بیع مایعات مسکره را بررسی کردیم.

اینک به بحث از جامدات مسکره می پردازیم. لازم است توجه کنیم که بحث مذکور، بحث استطرادی است چراکه بحث ابتدایی در کتاب مکاسب، بحث از اعیان نجسه است؛ لذاست که این بحث علی القاعده باید در قسمت «ما یحرم لتحریم ما یقصد به» مطرح شود. اما به جهت تشابه موضوع طرح آن در این قسمت مناسب تر است.

مرحوم ایروانی در حاشیه مکاسب می نویسد:

«التخصیص بالمائع لأجل أنّ النّجس من المسکرات هو ما کان مائعا و الکلام فعلا فی بیع الأعیان النّجسة لا لاختصاص حرمة البیع به فإنّ الحرمة عامّة لعموم حرمة الانتفاع بالمسکر لکنّک عرفت أنّ مناط المنع فی النّجس أيضا هو حرمة الانتفاع به فکلّ المسکرات یحرم بیعها بمناط واحد.»^۱

برخی از بزرگان بر این مطلب اضافه کرده اند:

«ما ذکره اخیرا من أنّ مناط المنع فی النّجس أيضا هو حرمة الانتفاع به کلام متین و قد کنا نصرّ علیه تبعا لما ذکره المصنّف أيضا فی مبحث بیع المیتة ناسبا له إلی الأعلام. فذکرهم للنجاسات نوعا مستقلا ممّا یحرم الاکتساب به لعلّه من جهة أنّ المتبادر ممّا لا منفعة له فی النوع الثالث ما لیس له منفعة أصلا، و أمّا النجاسات فرمّا یکون لها منافع عقلائیة کالمیتة و الخنزیر و نحوهما و لکنّها غیر مشروعة. و الجامع بین النوعین ما لا منفعة له إمّا خارجا أو بحسب حکم الشرع. و رتبنا علی ما ذکر جواز المعاملة علی النّجس إذا کان له منافع محلّلة عقلائیة و وقع البیع بلحاظها. ففی المقام أيضا نقول: یحرم الانتفاع بالمسکر الجامد و لا یصحّ بیعه أيضا إذا فرض انحصار منفعته فی الإسکار المحرّم، و أمّا إذا لم ینحصر فی ذلك و کان له منافع طبیة أو کیمیائیة صالحة للمجتمع فأیّ مانع من بیعه لذلك؟ نظیر الأفیون الذی لا ینحصر منفعته فی التخذیر به بل ربّما ینتفع به فی الأدوية و المعاجین النافعة.»^۲

ما می گوئیم:

سابقاً گفتیم نمی توانیم ملازمه ای را بین جواز بیع و جواز انتفاع ثابت کنیم و لذا باید علاوه بر ادله تحلیل انتفاع، ادله ای را بیابیم که بتواند حلیت بیع را ثابت کند. و در ما نحن فیه هم اگر انتفاع از مسکرات جامده در جایی تجویز شد لازم است حکم بیع را به طور مستقل بررسی کنیم. پس باید برای جواز بیع به دنبال یافتن دلیل باشیم و لو اینکه این دلیل اصالة الحل و عمومات جواز بیع باشد در حالیکه ادله مانعه را منصرف از مسکرات جامده به حساب بیاوریم.

۱. حاشیه مکاسب (للایروانی)؛ ج ۱، ص: ۶

۲. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۴۵۷